

## خلاصه اجرایی

### 1. چه پایانی مدنظر قرار دارد؟

افغانستان بیش از سی سال درگیر جنگ بوده است، و برای حدود یک دهه است که جامعه جهانی از بازسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور پشتیبانی به عمل آورده است - و با بازگشت طالبان به قدرت مقابله کرده است. افغان ها در طول این دهه شاهد بهبودی های بسیاری بوده اند، با این حال شورش مجدد طالبان در بیشتر نواحی کشور نشان میدهد که این گروه یک نیروی غیر قابل اغماض در جامعه افغانی است که مستثنا ساختن آن مستلزم هزینه بالایی میباشد. اکثر افغان ها برای پایان جنگ از طریق مذاکره جناح های درگیر مشتاق به نظر میآیند.

صلح در افغانستان امکان پذیر است، اگر افغان ها در همه جناح ها بتوانند بر اختلافات عمیق شان فایق آیند و اگر جامعه جهانی متردد و یا متلاشی نگردد- درست به همان گونه که وحدت بین المللی مقاصد، دیگر تضادهای همانند این مثل تضادهای کمبودی، السلوادور و بوسنیا-هرزگوینا را در برگرفته و رفع نمود. برای افغان ها و نیز جامعه جهانی، سال 2011 میتواند سالی باشد که در آن متحدین و مخالفین به نتیجه استراتژیک پایان دادن این جنگ با یک صلح توافقی نایل شوند، و برای دستیابی به آن مذاکرات جدی را آغاز کنند.

### برخورد به بن بست

در حالی که منازعه در افغانستان شدت بیشتری یافته است، به نظر میآید جامعه جهانی آشکارا بر آن است تا این امر را به رسمیت بشناسد که راه حل مسئله افغانستان سیاسی خواهد بود تا نظامی. همچنان، با وجود بیانیه های پیروزی اجتناب ناپذیر از جانب رهبران طالبان، نشانه هایی وجود دارد دال بر باور این امر در بین این گروه که پیشرفت های سال های اخیر آنان نیروهای مخالف را به شکل مؤثری برانگیخته است. هیچیک از جناح ها نمیتواند بر این باور باشد که در آینده نزدیک دیگری را از راه نظامی مغلوب سازد. این حس روزافزون برخورد به بن بست می تواند راهگشای آغاز یک مرحله سیاسی برای پایان دادن به منازعات باشد.

## فشارهای خارج از ساحه جنگ

حس بیزاری از جنگ در بین عموم مردم در افغانستان عمق روزافزونی مییابد؛ حتی متعهدترین مخالفان طالبان در بین افغان ها ناگزیرند این واقعیت را در محاسبات خویش بگنجانند که طولانی شدن جنگ برای مدت نامحدود امنیت آنان را به خطر می اندازد. حمایت عمومی در کشورهای غربی از باقی ماندن نیروها در افغانستان برای حفاظت از دولت در حال کاهش است. برخی دولت ها هزینه مالی آرایش قشون خویش را به شکل فزاینده ای سنگین می یابند. برای جانب آنها، طالبان زمانی که برای تحمیل قوانین سختگیرانه دوره امارت خویش در ساحات دورتر از پایگاه های اصلی خویش تلاش کرده اند، با مقاومت فزاینده مواجه شده اند. برعلاوه، استندردهای بالای زندگی که کمک های بین المللی برای بسیاری از افغان ها به ارمغان آورد، صریحاً با استندردهای زندگی تحت حاکمیت طالبان مغایرت دارد. همچنین، رهبران طالبان برای یافتن راهی برای مذاکره با پاکستان، که بنا بر باور بسیاری به تازگی حالتی دو سو گرا به خود گرفته است، احساس فشار می کنند.

## فهم مصالحه

تصرف نواقص شورشیان و یا تلاش برای جلب موافقت اعضای رده بالای طالبان به پیوستن به رژیم کابل راه های مؤثری برای تأمین صلح به نظر نمی آیند؛ مصالحه با شورشیان در نهایت ناگزیر است درگیر ایجاد یک چوکات سیاسی گسترده تر برای پایان دادن به جنگ گردد. اگرچه، مسلماً، اشاره به تمایل برای مذاکره ممکن است از سوی عده ای به مثابه ضعیف ساختن پیام اراده و توانایی، که عنصری مهم در عملیات نظامی است، تعبیر شود. ممکن است تمام جناح ها در ارسال اشاراتی که امکان دارد به مثابه نشانه ضعف تعبیر گردد محتاطانه عمل کنند، حتی زمانی که بوسیله تقاضای امتیازدهی های عمده از سوی جناح دیگر تعدیل شود.

## زمان مناسب؟

در حالی که برخی چنین مشوره می دهند که تا زمانی که از لحاظ نیروی نظامی صریحاً و قطعاً قوی تر نشده اند، باید از مذاکره امتناع کرد، ما بر این باور هستیم که بهترین زمان آغاز پروسه سیاسی در جهت مصالحه همین حالا است. به نظر می آید برای حامیان دولت، زمان مطلوب پیش از به اوج رسیدن ظرفیت های آنان میباشد، نه زمانی که سطوح قوا یک سیر نزولی را آغاز کرده باشند. برای شورشیان، محتمل نیست که چشم انداز مذاکره برای اشتراک در قدرت ملی با صبر کردن تا سال 2014 به میزان قابل توجهی روشن تر گردد. در مقابل، این چشم انداز که امریکایی ها بتوانند راهی برای کاهش اندازه قشون خود و درعین حال حفظ سطح توانایی مقابله آنان برای سال های آینده بیابند، پیشنهاد میکند که شاید تنها راهی که میتوانند از آن طریق امریکایی ها را واقعاً بیرون برانند، راه توافق مذاکره شده باشد. برای ایالات متحده، یک پروسه مذاکره به این کشور امکان میدهد تا نتایج سیاسی نهایی را با اطمینان بیشتری نسبت به شرط بندی بر روی یک جنگ طولانی و بی نتیجه شکل دهد.

برای تمام جناح ها، به تعویق انداختن بیشتر مذاکرات، در نهایت بهای بالاتری را، که احتمالاً برای اعاده صلح بپردازند، به همراه خواهد داشت. در حالی که مذاکرات درگیر روابط مبادله و تنظیم اولویت های دشواری خواهد شد، یک توافق واقعی که جنگ را از یک طریق قابل قبول برای تمام جناح ها پایان دهد، امکان پذیر است. به هر اندازه که یک پروسه صلح زودتر آغاز شود، یک صلح واقعی که پیش از سال 2014 قابل حصول است، نتایج بهتری خواهد داشت.

## 2. اعمار بلاک های توافق

یک توافق صلح ناگزیر به رسیدگی به دو مجموعه گسترده از موضوعات خواهد بود: در سطح ملی، یک نظام سیاسی که مورد پذیرش طیف وسیعی از افغان ها باشد؛ و در سطح بین المللی، منافع امنیتی انفرادی گروه های گوناگون ذینفع بین المللی و همچنین نگرانی های جهانی مشترک همه. افغان ها خود مسئولیت توافق بر سر موضوعات داخلی را خواهند داشت، که انتظار می رود شامل موارد ذیل باشد:

- *تقسیم قدرت*. همانند بسیاری از منازعات دیگر، رقابت بر سر قدرت، در مرکز و ولایات، در محراق این منازعه قرار دارد. کنترل وزارت های دفاع، داخله و شاید همچنین معارف و عدلیه، ممکن است از حساسیت خاصی برخوردار باشد.
- *نظام سیاسی*. در حالی که طالبان هیچگاه در دوره حاکمیت خود ضرورتی به قانون اساسی یا انتخابات احساس نکردند، در یک توافق مذاکره شده ممکن است خواهان قواعدی باشند که فضای سیاسی و فرصت رقابت قدرت بیشتر را برای آنان تضمین کند. قانون اساسی فعلی احتمالاً به عنوان نقطه عزیمت در ساخت یک نظام سیاسی سرهم بندی شده پایان خواهد یافت.
- *صلاحیت اداری*. با کنترل محکم انتصابات دولتی در دست رییس جمهور تحت رژیم مبتنی بر قانون اساسی فعلی، طالبان خواهان حصول اطمینان از این امر خواهند بود که پست های ولایتی کلیدی اعطا شده به آنها در یک توافق به اراده رییس جمهور- خواه حامد کرزی و خواه جانشینان وی- فسخ شده نمی تواند. شاید یک میکانیزم جدید در مرکز، و یا در حدی و آگذاری صلاحیت برای انتخاب والیان، ایجاد شود؛ ممکن است صلاحیت بودجوی برای شوراهای ولایتی انتخاب شده اما فاقد قدرت فعلی بر سر میز مذاکره پایان یافته بتواند.
- *قدرت ریاست جمهوری و دموکراسی*. با اینکه طالبان هرگز به شایستگی نسبی رژیم های ریاستی یا پارلمانی، و یا خود دموکراسی علاقه نشان نداده اند، پذیرش انتخابات به عنوان مبنای تخصیص قدرت احتمالاً عنصری کلیدی در توافق تشریک قدرت باشد- و اصلاح نظام انتخاباتی یحتمل موضوعات فراوانی را پیش خواهد کشید.
- *اسلام به عنوان قانون پایه ای*. در حالی که قانون اساسی سال 2004 پیش از این اسلام را عمیقاً در حکومتداری جا داده است، طالبان ممکن است برای کنترل شدیدتر بر نحوه پوشش و سلوک، و برای تقویت نقش های ملاها و یا نصب آنان در مقامات سیاسی و عدلی، تحت نام شریعت، اعمال فشار کنند، که دیگر افغان ها مقاومت خواهند کرد.

- حقوق بشر و حقوق زنان. دفاع ضمانت های حقوق بشر، و به خصوص حقوق زنان، در قانون اساسی، در برابر سوء استفاده های همراه با حاکمیت طالبان احتمالاً نقطه عمده ای در مباحثات خواهد بود.

- عدالت و جوابگویی. بسیاری از افغان ها- گرچه ظاهراً غیر از دولت و طالبان- بر اعمال فشار برای تطبیق عدالت در مورد عاملین قساوت های جنگی در دهه های اخیر ادامه می دهند؛ محکمه جنایی بین الملل، به عنوان یک گزینه ممکن، تنها قدرت اعمال صلاحیت بر جرایم بعد از زمان الحاق افغانستان به اساسنامه روم در سال 2003 را داراست.

- نیروهای امنیتی افغان. موضوع کنترل اردوی ملی افغان و پولیس ملی از حساسیت خاصی برخوردار خواهد بود؛ طالبان خواهان تضمین این امر خواهند شد که دشمنان آنها در ائتلاف شمال سابق قدرت قهری دولت را کنترل نمی کنند. الحاق جنگجویان آنها به پولیس و یا دیگر نیروهای امنیتی ممکن است ستیزه جویی به اثبات برسد.

جامعه بین المللی در این که یک توافق چگونه افغانستان را در برابر همسایه هایش قرار می دهد دارای منافع امنیتی جدی است، در حالی که حفظ صلح برای منابع بین المللی اهمیت زیادی را دارا خواهد بود- که باید مشروط باشد به احترام گذاشتن افغان ها به توافق:

- انکشاف اقتصادی. ظرفیت اقتصاد خود افغانستان برای پوشش ضروریات دوره صلح کشور بسیار پایین خواهد بود، در حالی که انکشاف اقتصادی و اجتماعی وسیعاً مشترک برای تأمین ثبات افغانستان ضروری خواهد بود. یک دامنه گسترده تر دونه ها، شامل دونه های منطقه، ضرورت به تعهدات کمک ثابت خواهد داشت.

- تمویل چندجانبه. تعهد تجدید شده نهادهای انکشاف چندجانبه، به خصوص بانک جهانی و بانک انکشاف آسیایی، برای تمویل بلند مدت و مطمئن، ضروری خواهد بود.

- منابع طبیعی. انتظار می رود بزرگترین منبع عواید کوتاه مدت افغانستان، استخراج منابع معدنی باشد. جامعه جهانی باید در مذاکره توافقنامه های بهره برداری و حمایت از ایجاد یک چوکات حقوقی استوار و باز برای عواید حاصل از این منابع افغانستان را یاری نماید.

- *ظرفیت سازی و معارف*. جامعه جهانی ضرورت دارد تا حمایت از تحصیلات ثانوی، حرفوی و پوهنتون را، که برای انکشاف توانایی های افغان ها در مدیریت کسب و کار، اداره عامه، مکاتب و صحت به شکل مؤثر امری اساسی می باشد، آغاز نماید.

- *اقتصاد منطقی*. یک توافقنامه کنترل سرحدات و ترانزیت تجارت منطقی باید به عنوان بخشی از، و یا موازی با، یک توافق صلح افغانی مد نظر گرفته شود.

ابعاد امنیتی بین المللی توافق صلح افغان، بشمول چیزهای دیگر، ضرورت به شامل ساختن موارد ذیل خواهد

داشت:

- *جداسازی روابط تمام طالبان با القاعده و گروه های مشابه*. یک پیمان باید شامل جداسازی روابط طالبان با القاعده باشد و، همراه با اقدامات ممکن شورای امنیت سازمان ملل متحد در حمایت از صلاحیت مبارزه با تروریسم در جریان دوره گذار، تضمین نماید که افغانستان هیچگاه مجدداً به به تروریست های فراملیتی پناه نخواهد داد.

- *دربرداشتن خطر مواد مخدر*. توافق، ضرورت خواهد داشت تا تلاش های جدی مبارزه با مواد مخدر بوسیله مقامات افغان همراه با معاونت و یاری تنگاتنگ بین المللی، با دفتر سازمان ملل متحد در امور جرایم مربوط به مواد مخدر که برای نظارت نزدیک بر تولید و داد و ستد مواد مخدر در افغانستان تأسیس شده است و کفایت آن تلاش های همکارانه را تصدیق می نماید، را تضمین نماید.

- *خارج ساختن نیروهای خارجی*. این یک تقاضای کلیدی شورشیان می باشد، و خارج ساختن نیروهای معاونت امنیت بین المللی (ISAF) – و به خصوص قشون ایالات متحده- به ظن قریب به یقین یکی از اجزای ضروری توفیق خواهد بود. خروج این نیروها از سوی بسیاری از دولت های منطقه استقبال خواهد شد.

- *آرایش قشون محافظ صلح*. حضور محافظین صلح، که برای جناح ها اطمینان مجدد را تأمین می کنند، بخش مهمی در بسیاری از قراردادها را تشکیل می داده است، و یک توافق سیاسی در افغانستان احتمالاً ضرورت به حضور سازمان ملل متحد به حیث ناظر و حافظ صلح دارد تا از تطبیق توافق حمایت نماید. هیچیک از جناح

های درگیر در منازعه فعلی، و دولت های همجوار افغانستان، باید بخشی از این قوا نباشند؛ کشورهای مسلمان به طور خاص باید تشویق به اشتراک شوند.

- وضعیت آینده افغانستان در منطقه. با توجه به نگرانی های امنیتی برخی از همسایگان بزرگتر افغانستان، یک ضمانت صریحاً مذاکره شده از سوی افغانستان در قسمت "هم پیمان نبودن" با همسایگان خویش، و شاید با هیچ دولتی، ممکن است یکی از اساسات احتمالی توافق بین المللی باشد. تضمینات امنیتی تمام دولت های منطقه، به هر دو شکل "منفی" و "مثبت"، باید توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تصدیق گردد.

### **3. انتقال به یک پروسه سیاسی**

با آنکه بدبینی عمیقی درباره دورنمای حل مسئله جنگ از طریق مذاکره وجود دارد، تماس های آزمایشی دولت و شورشیان نوعی رغبت به پروسه سیاسی را حداقل در برخی از بخش های شورش نشان می دهد. تلاش در ایجاد یک پروسه سیاسی- در چوکات سرمایه گذاری بر سرچشمه ها، تضمین انسجام، تمرکز بر تماس ها و سازماندهی تلاش های دیپلماتیک منطقی- می تواند حداقل گزینه های عملی را واضح سازد.

#### **یک مرحله اکتشافی**

شاید نویدبخش ترین گزینه برای ایجاد یک پروسه سیاسی، از طریق یک تسهیل کننده که به شکل بین المللی تعیین شده باشد و بتواند بدون ضعف ساختن موقف های نسبی بازیگران مربوط در مذاکره، موضوعات حساس را مطرح نماید، باشد. یک تسهیل کننده می تواند یک فرد، یک تیم، یک دولت یا گروهی از دولت ها، یک سازمان بین المللی، و یا ترکیبی از این ها باشد. یک تسهیل کننده از طریق تماس های سنجیده و مباحثات با جناح های درگیر در منازعه یا جناح های ذینفع در نتیجه آن، می تواند وجود ظرفیت بالقوه همگرایی در بین جناح های مختلف ملی و بین المللی را برای مذاکرات جدی بر سر یک توافق سیاسی تعیین کند. سازمان ملل متحد در زمینه تأمین یک نقش تسهیل کننده والاترین تجربه نهادی

را داراست، و تعیین یک نماینده از سوی سرمنشی سازمان ملل برای سرپرستی این مرحله تسهیلی بهترین گزینه برای بعهده گرفتن یک وظیفه اکتشافی خواهد بود.

### **یک پروسه مذاکره**

تسهیل کننده باید تا زمان شکل گیری دیگر ساختار ها به سرمنشی سازمان ملل متحد و شاید شورای امنیت این سازمان بر یک مبنای فاقد عمومیت گزارش دهد. از آنجا که جناح های ذینفع بین المللی بسیار پرشمارند، تسهیل کننده بعداً ضرورت به تشکیل یک پروسه مذاکره خواهد داشت تا بتواند زمانی که مسائل بسیار با اهمیت برای آنها مورد ملاحظه قرار می گیرد، آنها را شامل سازد. یک کانفرانس بین المللی ثابت می تواند چارچوبی رسمی برای یک پروسه مذاکره چند-رده ای فراهم سازد. درحالی که ممکن است کانفرانس به شکل جامع و شامل صرفاً برای آغاز پروسه مذاکره و بعداً تصویب نتایج آن تشکیل شود، همچنان می تواند یک محل رسیدگی دیپلماتیک را فراهم آورد که برای مذاکره کنندگان واجد صلاحیت آن قابل پذیرش و به شکل معقولی مناسب برای تمام جناح ها باشد.

جناح های افغانی، که باید اختلافات داخلی بنیادی را حل کنند، از آغاز، یک نقطه اتصال اولیه خواهند بود. حامیان بین المللی می توانند به شکل حاشیوی سودمند واقع شوند. پس از نمودار شدن پیشرفت افغان ها در حکومت داری پس از جنگ، همسایگان منطقه و جامعه جهانی در ابعاد گسترده آن، در مسائل مرتبط با امنیت منطقوی، انسجام اقتصادی و ترتیبات حفظ صلح پس از منازعه، بیشتر مستقیماً شامل خواهند شد.

### **فراتر از پیش شرط ها**

هر دو جانب برای صحبت با مخالفین خویش دارای پیش شرط هایی هستند که ممکن است بازتاب دهنده مسائلی باشد که بیشترین اهمیت را برای آنان دارد، اما این پیش شرط ها نباید بیش از این مانع صحبت آنان با یکدیگر گردد. برآورده ساختن هر پاینت مشخص باید اهداف آنان در یک توافق سیاسی باشد.

## آمادگی های دولت افغانستان

مدیریت یک مذاکره سیاسی پیچیده نیازمند یک تیم مذاکره توانمند و نمونه همراه با حمایت دارای قوی است، که دولت افغانستان هنوز دارای چنین تیمی نیست. برعلاوه، رییس جمهور کرزی دارای یک هیئت نمایندگان نامتجانس می باشد که، با توجه به این که بسیاری از افغان ها تجربه تلخ حاکمیت طالبان را از سر گذرانده اند، عدم انعطاف اعضای این هیئت در ضمن مذاکرات با چالش روبرو خواهد شد. جرگه عالی صلح کرزی می تواند دریچه ای برای آغاز یک گفتمان ملی درباره اهداف هرگونه مذاکره با شورشیان و ساختار آینده نظام سیاسی افغانستان در آینده باشد.

هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) نزد عموم افغان ها دارای اعتبار است و مشخصاً برای حمایت و تشویق یک مباحثه کشوری در جامعه افغانی در مورد اهداف مذاکرات نهایی مستقر شده است. UNAMA می تواند گفتمانی را در سطح ولایات و ولسوالی ها در مورد مفاد مذاکرات و نگرانی های اجتماعات مختلف درباره نتایج این مذاکرات، شامل گفتمان از طریق کمیته های صلح و انسجام مجدد، راه اندازی و حمایت کند.

## شمول طالبان

برای این که یک پروسه سیاسی از مباحثات پشت پرده فراتر رود، طالبان نیازمند معرفی سخنگویان معتبری خواهند بود که بتوانند برای شورش و شبکه های فرمانده آن صحبت کنند. شورای کویته در تمام ظواهر هنوز یک گره مرکزی اقتدار در شورش می باشد. در حالی که چهره های شاخص شبکه حقانی رغبت خود را برای یک پروسه سیاسی ابراز کرده اند، آنها نیز به چالاکي به شورای کویته تأکید می کنند. چهره های سیاسی متصل به تشکیلات کوچکتر حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بیشتر علاقه مند یک راه سیاسی بدیل برای پایان دادن به شورش به نظر می آمده اند. تسهیل کننده سرپرست یک پروسه سیاسی احتمالاً با سطوح رهبری و گروه های متفاوت درگیر در شورش مواجه خواهد شد، و قادر است از طریق این تماس ها مشخص نماید که چه کسی با طالبان صحبت کرده می تواند.

آن عده از چهره های طالبان که مدعی علاقه به راه حل سیاسی هستند، خواهان آنند که جامعه جهانی در ایجاد یک جو مساعدتر برای صحبت، یک سلسله اقدامات از قبیل حذف افراد از لست تحریم های سازمان ملل متحد و رهاسازی توقیف شده گان را روی دست گیرد.

### *اقدامات اعتمادسازی*

تسهیل کننده و یا خود جناح ها ممکن است تقویت بخشیدن به اعتبار یک توافق صلح در حال شکل گیری را از طریق اقدامات اعتمادسازی که به نشان دادن امکان تحقق صلح به حامیان افراطی تر آنان کمک می کند را اقدامی سودمند بیابند. تجربه زودتر از موعد آتش بس های محلی و تسهیل دستیابی بشردوستانه می تواند در زمره گزینه های بالقوه باشد. پایان دادن به آماج قرار دادن فرماندهان محلی و والیان خیالی طالبان از سوی آیساف در مقابل پایان دادن به حملات با ماین های انفجاری کنار سرک به آیساف و آماج قرار دادن مقامات دولتی افغان از سوی طالبان می تواند از جمله دیگر اقدامات دوجانبه تشنج زدا باشد. حذف برخی از تحریمات به شکل انتخابی و رها ساختن توقیف شدگان می تواند شامل حوزه اقدامات اعتمادسازی باشد.

### *ارتقاء دادن نحوه حکومتداری در افغانستان*

ارتقاء دادن نحوه حکومتداری، تحدید فساد، و تقویت حاکمیت قانون در زمانی که یک پروسه سیاسی در آستانه اجراست، از وظایف عاجل دولت افغانستان می باشد. اصرار بر عدم اجرای آن صرفاً مبنای آن را تحلیل می برد. آیساف، و نیز، جامعه جهانی علاقه مند به حمایت از اقدامات اصلاحی معتبر پیش از آغاز مذاکرات، شامل اصلاح اعتماد سست خود آنان بر قرار دادکننده های خصوصی، می باشند.

### *نقش پاکستان*

رهبری پاکستان تمایل خویش را به اشتراک در یک راه حل سیاسی برای منازعه اظهار داشته و بر توانایی خویش در آوردن طالبان بر سر میز مذاکره و اثرگذاری بر نحوه تصمیم‌گیری آنان تأکید نموده است. با این‌که با پاکستان نباید به گونه‌ای رفتار شود که خود را به مثابه سخنگو برای طالبان قلمداد کند، بدون شمول فعالانه این کشور، موفقیت این پروسه امکانپذیر نیست. روابط رسمی این کشور با افغانستان با ادامه نزاع بر سر مسئله خط دیورند، وجود مناطق امن دریایی طالبان در پاکستان، و تلقی برخی مقامات ارشد افغانی به حیث دشمن از سوی پاکستان، بغرنج گردیده است. مقامات پاکستانی مدعی‌اند که منافع امنیتی خویش را در افغانستان در وهله نخست با ارجاع به مسئله هند می‌نگرند. انتظار می‌رود که پاکستان از نفوذ خویش بر طالبان به مثابه اهرم فشاری برای طرح منافع امنیتی خویش به حیث بخشی از توافق سیاسی استفاده کند.

### **دیگر جناح‌های منطوقی**

دهلی جدید، با هراس از مناطق امن دریایی تجدید شده و تجهیزات آموزشی برای گروه‌های تروریستی که به هند حمله می‌کنند، در قسمت یک توافق سیاسی که ظاهراً مشروعیت بین‌المللی و اشتراک در قدرت به طالبان در کابل می‌بخشد، در موضع عمل محتاطانه باقی می‌ماند. با این حال، هند از طریق یک توافق سیاسی می‌تواند به شکل بهتری پیوند‌های تاریخی، روابط اقتصادی، و منافع مشروع خویش را در افغانستان حفظ کند تا از طریق حمایت مجدد فرقه‌های افغانی ضد طالبان در یک منازعه دوامدار پس از خروج آیساف. منافع ایران در دور نگهداشتن طالبان از قدرت در افغانستان با خصومت این کشور با ایالات متحده بغرنج می‌شوند، اما این دو کشور در مورد آینده افغانستان دل‌نگرانی‌های واگرا دارند و باید در قسمت متوقف ساختن داد و ستد مواد مخدر و حمایت از یک نقش سیاسی در شورش که محتاطانه بر روی آن مذاکره شده باشد، زمینه‌ای مشترک برای همکاری بیابند. روابط نزدیک بلندمدت چین با پاکستان می‌تواند برای تسهیل‌کننده امتیازی در تشویق پیشرفت به سوی یک توافق به شمار آید. دولت‌های آسیای مرکزی، به مانند روسیه، نیازمند توافقی خواهند بود که پیش‌بینی‌های لازم برای حفاظت سرحدات آنان در برابر نفوذ جنگجویان جهادی و سوداگران مواد مخدر را در بر داشته باشد.

## نقش ایالات متحده

ایالات متحده، که همراه با هم پیمانان خویش در ناتو (NATO) به حمایت حیاتی آیساف ادامه می دهد، سخنگوی اصلی از جانب جامعه جهانی در طرح مسیری به سوی رفع منازعه می باشد. ضروری خواهد بود که این کشور نقشی فعال در تمام مراحل پروسه مذاکره- از مشوره دهی چندجانبه در انتصاب یک تسهیل کننده، تا اقناع رهبران بی میل افغان به تعقیب راه مذاکره، و تا کار با تسهیل کننده در یافتن راه حل هایی برای رفع بن بست های آشکار- اتخاذ کند. این کشور ناگزیر خواهد بود که گفتمان دوامدار را در جریان پروسه مذاکره حفظ کند، همان طور که صبورانه با پاکستان عمیقاً متخاصم چنین کرد، و به همان گونه که با ایران باید چنین کند.